



طراحی چهره‌ی استاد محمدحسین عتیقی،
اثر هنرمندمجید ملاآزوروی

دکتر محمد مهدی هراتی
عضو فرهنگستان هنر

کلید واژه:
مهدی عتیقی، خواجه عتیق
علی، وصالی، کاغذ دهبوسته،
صحافیاشی.

کتاب آرای، مجموعه‌ای از هنرهای والا و ارزشمندی است که به یمن آن، بسیاری از آثار نفیس مکتوب ایرانی و اسلامی، از گزند حوادث محفوظ مانده و صدرتشین کتابخانه‌ها و موزه‌های بزرگ ایران و جهان شده‌اند. استاد محمد حسین عتیقی و خاندان او، با سابقه‌ای ششصد ساله، حافظ میراث‌های کتاب آرای ایران بوده‌اند. در این شماره، به معرفی پیشینه‌ی تاریخی و هنری نیاکان آنان می‌پردازیم. گفتنی است که مرحوم استاد حسین عتیقی، در درس هجدهم کتاب آموزش هنر سوم راهنمایی به دانش‌آموزان ایرانی معرفی شده است.

میراث ۶۰۰ ساله عتیقی‌ها

هنر، در سال ۹۹۹ هجری قمری از ایشان چنین یاد می‌کند:

«خواجه عتیق منشی از خطه‌ی اردوباد است. بسیار پخته و گنده می‌نوشته و در انشائات نوآب جمجاه صاحب قران گیتی ستان علیین آشیان، شاه اسماعیل، ترقیات کلی نموده و طغرای شاهی را که اکنون در میان است [اعتبار دارد] او پیدا کرده [طراحی کرده]. بعد از استعفا از ملازمت، متولی مشهد مقدس معلی مزگی شد و سال‌ها در آن عتبه‌ی علیه و سده‌ی سنیه به سر می‌برده و عمارت عالی به جهت مقبره‌ی خود در جنب مدرسه‌ی شاهرخی واقع است و رقبات خود را که در آن جاداشت، بر آن وقف نمود.»^(۱)

در دل تاریخ کتاب و کتابت، عتیقی‌ها، مصحف به دست، عاشقانه و مشتاق، از هزار توی زمان گذشته‌اند. جدّ اعلای آنان، عارف و شاعر بزرگ اوایل قرن هشتم هجری، مولانا جلال‌الدین عتیقی است که شرح حال وی را در نسخه‌ی منحصر به فرد کتاب خطی سفینه‌ی تبریز که در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود، می‌توان دید که مکتوبی مفصل است.

خواجه عتیق علی منشی

پس از مولانا جلال‌الدین عتیقی، شاخص‌ترین این خاندان، خواجه عتیق علی منشی اردوبادی، از منشیان دارالانشاء شاه اسماعیل صفوی بوده است.^(۱) که قاضی احمد منشی قمی، صاحب کتاب گلستان

۱- ر.ک: فضالی، حبیب‌الله،
اطلس خط، ص ۴۰۸،
انتشارات مشعل، اصفهان.

۲- منشی قمی، قاضی احمد،
گلستان هنر، تصحیح احمد
سهیلی خوانساری، ص ۴۶،
چاپ دوم، انتشارات
منوچهری، ۱۳۵۹.



قرآن کریم این ودیعه گرانقدر الهی و کتاب سراسر نور و حکمت و سرچشمه زلال هدایت در مبارکترین ماه و در شبی که برتر از هزار ماه است بر قلب مطهر محمد مصطفی (ص) نازل شد. قرآن کریم نازل شد تا اندیشه‌ها و استعداد های خفته انسانهای شب‌زده را با نور انبیا و پیامهای انسان سازش بیداری، شکوفایی و حرکت و حیات بخشد. انوار درخشان آیات روحبخش قرآن کریم همواره چراغ فروزان راه عالمان خداجوی و دانشمندان و هنرمندان حق طلب در طول اعصار و قرون بوده است و عاشقان و خادمان آن کتاب هدایت با خلوص تمام نسبت به تعلیم و ترویج، ترجمه و تفسیر، حفظ و قرائت، تذهیب و تجلید و خوشنویسی این کتاب شریف همت گمارده اند و عشق و ارادت خویش را به ساخت مقدس قرآن کریم به اثبات رسانیدند.

خانواده محترم عتیقی

اینگ که شما با عنایت حق تعالی و با بکارگیری همت بلند خود به شرف خدمتگزاری به ساخت مقدس قرآن کریم نائل شده‌اید و به عنوان **چهار ساری و صحافی** شمار خادمان پرافتخار این کتاب ارزنده الهی قرار گرفته‌اید. ضمن تقدیر از **آن خاندان** دوام توفیقات آن **خانواده** را در خدمت به قرآن شریف، نشر و ترویج فرهنگ آن از درگاه خداوند متعال مسئلت می‌دارم.

سید محمد خاتمی
رئیس جمهوری اسلامی ایران

استاد محمد حسین عتیقی:
در زندگی، دو
راه بیش تر وجود
ندارد، یا عاشقی
هنر کنید، یا
کاسبی هنر؛ راه
سومی وجود
ندارد.

خدمتگزاری به کتب و مصاحف، در ادوار بعد، همچنان در بارگاه حضرت ثامن الائمه به کتابت و وراقی و وصالی و تذهیب آثار باقی بود و ملاحسین صحافی‌باشی به دلیل آثار فوق العاده‌ای که داشته است، در صدر آنان قرار دارد که در این فرصت به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. قرآن شماره‌ی ۱۰۸ کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی که به قلم یاقوت مستعصمی کتابت شده و بر اثر سهل‌انگاری و بی‌دقتی، دچار آسیب دیدگی جدی شده بود، به دست مرحوم ملاحسین صحافی‌باشی، از فرزندان نسل‌های بعد خواجه عتیق علی، مرمت و احیا شد. مرحوم ملاحسین صحافی‌باشی برای احیای این نسخه‌ی بی‌بدیل، از فنون وصالی، قطاعی، حاشیه، تذهیب و کتابت و صحافی، بهره‌گیرهای استادانه‌ای کرد؛ به طوری که برای نخستین بار در تاریخ، وی موفق شد هر ورق قرآن را به سه لایه (دو پوست و یک مغز) تقسیم کند و در بین هر دو پوست، ورقی دیگر قرار دهد و با استفاده از هنر وصالی، برای ترمیم ضایعات و

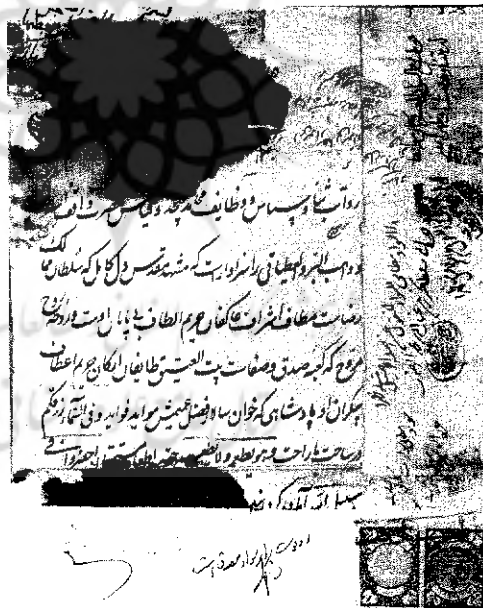
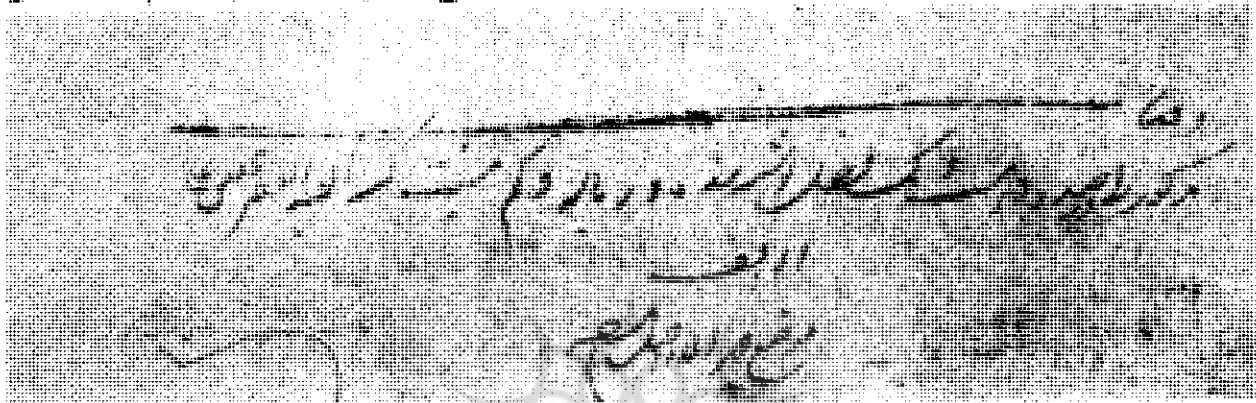
این وقفنامه، هم‌اکنون در شمار قدیمی‌ترین وقفنامه‌های مکتوب آستان قدس رضوی مضبوط است و در این جا عکس بخش‌هایی از آن را برای نخستین بار چاپ می‌کنیم. در صفحه‌ی پایان وقفنامه‌ی رقبات و املاک خاندان عتیقی که دستخط مرحوم خواجه عتیق علی است، عبارت «کتابه العبد الفقیر عتیق علی الواقف» دیده می‌شود. همین‌طور دستخط مرحوم خواجه عتیق علی که از نظر شیوه‌ی کتابت به آثار میر علی کاتب مشابهت دارد و صدر صفحه و متن نخستین صفحه که مهر گواهان معتبر زمانه را دارد و حاکی از مراتب ارادت آن زعمیم نسبت به حرم رضوی است که می‌فرماید: «شهد مقدس دل کامل که سلطان ممالک رضاست، مطاف اشراف عاکفان حریم الطاف بی‌پایان اوست...»

ملاحسین صحافی‌باشی
پس از خواجه عتیق علی، این سیر ارادت و

نمونه در مجلد کلام الله ضبط شد تا حالت سابق با حالت حالیه در نظر زیارت کنندگان محسوس و مشاهده باشد.»

از دیگر آثار مرمت و احیای ملاحسین صحافی می توان به این موارد اشاره کرد:
الف. قرآن شماره ۴۱۴ به خط میرزا ابراهیم، فرزند شاهرخ و گوهرشاد، برادر بایسنقر میرزا که در ۸۲۷ هجری کتابت شده است.
ب. قرآن شماره ۱۵۴ به خط ثلث و ریحان و رقاع، اثر یکی از استادان معروف اقلام سته، علاءالدین

آسیب دیدگی های متن صفحات، از لایه می مغز (ورق اصلی) استفاده کند. چون سراسر این قرآن، دارای نشان ها و ترنج های تذهیبی، سرسوره ها و سرلوح ها و عناصر تذهیبی دیگر در اندازه های مختلف، آن هم در پشت و روی هر ورق بود، استاد گران قدر، آن ها را با چنان دقتی، بدون آسیب دیدگی خطوط آیات، از یکدیگر جدا کرد و پس از بازسازی، به جای خود وصل کرد که آنان که قرآن را از نزدیک دیده اند و به ریزه کاری های امر نیز واقف اند، انگشت حیرت به دندان گزیده اند.



صفحه ی پایانی
وقفنامه و تقدیم املاک
خواجه عتیق علی به
آستان قدس رضوی

تبریزی که در ۹۷۸ هجری تحریر شده است.
دو نفر از فرزندان ملاحسین صحافی به نام های میرزا فضل الله و میرزا نصر الله که در مکتب پدر تعلیم گرفته بودند، در سمت صحافی کتابخانه ی آستان قدس رضوی به کار مرمت آثار پرداختند. از میرزا فضل الله، مرمت قرآن شماره ۱۰۷ به خط ثلث علیرضا عباسی و کتابت قرن دهم هجری باقی است. وی این مصحف شریف را در

مرمت این قرآن، یک سال ونیم طول کشید و استاد میرزا احمد مذهب باشی نیز اطراف آن را طلاکاری و تحریر کرد که فقط به کمک میز نور می توان به عظمت کاری برد.

در پشت جلد این مصحف شریف و بعد از آستر و بدرقه، یک ورق از اوراق پیش از مرمت، به طور نمونه قرار گرفته که یادداشتی بدین مضمون در هامش آن است:

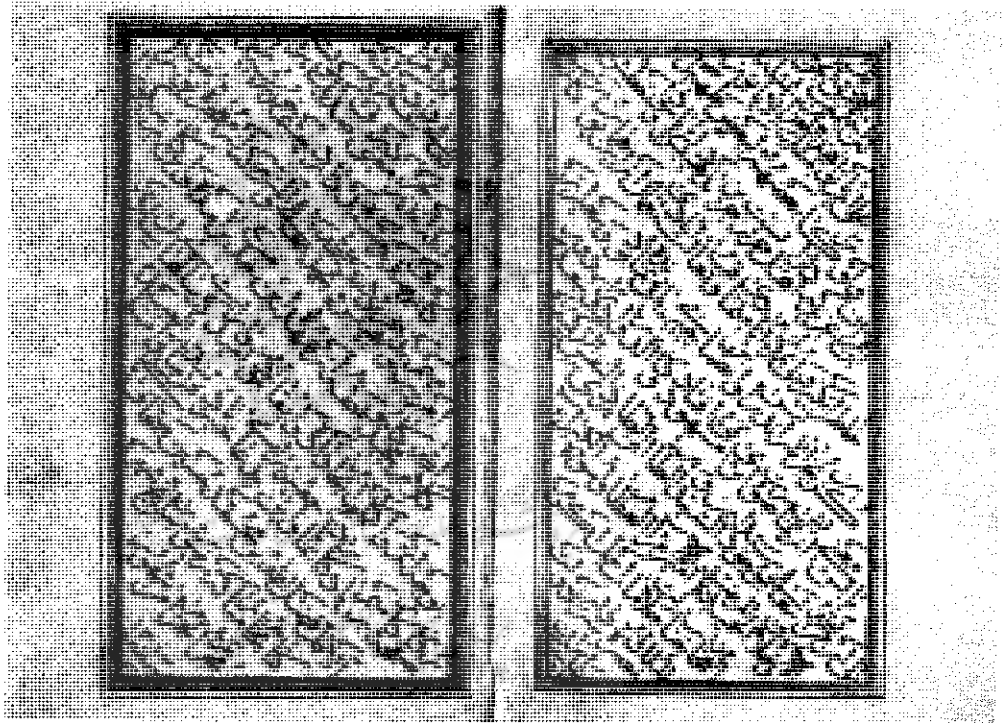
«این ورق مبارک از کلام الله مجید، به جهت

۱۳۱۵ هجری قمری در کتابخانه‌ی رضوی مرمت کرده است. نمونه‌ی دیگر، مرمت قرآنی است به خط محمدطاهر شیرازی که تمامی آن متن و حاشیه و جدول کشی شده و تصویر آن ارائه می‌شود. در آستر و بدرقه‌ی این مصحف به سال ۱۳۱۷ هجری قمری شرح مفصل آن با خط خوش میرزا فضل‌الله و انشای مرسوم زمان دیده می‌شود.

میرزا فضل‌الله در جوانی، بر اثر بیماری، جان به جان آفرین تسلیم کرد و برادرش میرزا ناصرالله به کار ادامه داد و به آموزش فرزند بزرگ ترشان میرزا محمد صحافباشی پرداخت. میرزا محمد صحافباشی، همچون جدش ملاحسین، به تمام فنون، اعم از وصالی و افشانگری و متن و حاشیه اشraf داشت و کاغذهای لاجوردین را با افشان زرین بیخته که به زیبایی آسمان و ستارگان پهلو می‌زد.

کردن و سه پوسته کردن و چهارپوسته کردن کاغذ، در کمال استادی آثار بسیار از خود به جای گذاشت و توانست جلدهای سوخت را به همان زیبایی دوره‌ی صفویه رواج دهد و با تحقیق و پژوهش و استفاده از قالب‌های ضریبی قدیم که با نظارت کامل استاد زیر نظر استادان معتبر حکاک ساخته می‌شد، دوباره ساخت جلدهای سوخت را به همان زیبایی آغاز کند. او در اوان جوانی به تهران مهاجرت کرد و با تاسیس کارگاه و مؤسسه‌ی عتیقی در سال ۱۲۷۰ هجری قمری، در حفظ اصالت‌های هنری این خاندان کوشید. وی با سفرهای متعدد به کشورهای اسلامی و اروپایی و بررسی آثار ایرانی در موزه‌ها و کتابخانه‌های بزرگ جهان و آشنایی با استادان فن و صحافی، دائماً در حال یادگیری و کسب تجارب تازه بود. هرگز به کسی اجازه نداد او را «استاد» صدا کند

نمونه‌ی مرمت، خط و انشای
مرحوم میرزا فضل‌الله
صحافباشی



«این قرآن عزیز که اهل دل را
حریری است حزین، تذهیبش
دلربا، سواد خطش خاطر انگیز،
ولی به مرور آیام متمادی و
تعاقب ایادی استعمال، از آن
همایون کتاب، به جز آثار
اندراس و انطماس چیزی
باقی نمانده بود. و به غیر از
تابش معنی از نمایش صورت،
اثری مشهود نمی‌افتاد....»

استاد حسین عتیقی

فرزند دیگر میرزا محمد صحافباشی، مرحوم استاد حسین عتیقی بود که در دو سالگی از پدر یتیم شد، اما نزد برادرش که استاد ماهر فنون میراثی بود، تعلیمات هنری و اخلاقی را با هم آموخت و کوله‌بار تجربیات یکصدساله را با استعداد و تیزبینی و هوش فوق‌العاده خود درهم آمیخت و علاوه بر مرمت، به ارائه‌ی آثار فوق‌العاده پرداخت. وی در رنگ آمیزی و آهار و مهره کردن کاغذهای دست‌ساز گرفته تا افشانگری و وصالی و متن حاشیه و دوپوسته

و در کمال فروتنی، آثاری یگانه و منحصر به فرد آفرید و تنها کسی بود که توانست ورق کاغذ را چهارپوسته کند. با وجود این که امروزه آثار وی زینت بخش موزه‌ها و کتابخانه‌های معتبر ایران و جهان است، همواره شب‌ها را در سکوت مطلق با آرامشی وصف‌ناپذیر، به کار مرمت قرآن می‌پرداخت و در سکوتی عارفانه، تا اذان صبح مشغول کار بود و کار را عبادت می‌دانست. در موزه‌ی رضا عباسی تهران، بیش‌ترین کارهای مرمتی را به انجام رساند و خطوط پراکنده و مندرس بقایای قرآن بایسنقری را دوپوسته کرد و با وصالی و تذهیب خاص و متناسب، جلوه‌ای

تازه از آیات قرآنی و خط بایستقری ایجاد کرد. یکی از آثار مرمتی او در همین موزه، قرآنی به خط عبدالله است که در سنه ۱۰۰۰ هجری کتابت شده و با وجود آسیب‌های فراوان، وی توانست با استفاده از خرده تذهیب‌های همزمان، آن را وصالی کند و جان تازه‌ای به این نسخه‌ی کلام‌الله بخشد. او بر اساس سنت خاندان عتیقی، فرزندان را با اصول و فنون صحافی سنتی آشنا کرد و با حفظ ویژگی مرمتی خاندان عتیقی که باید قرآن‌ها و آثار مکتوب را مثل اصل آن مرمت کنند، در سبک‌های

ان شاء الله همه‌ی فرزندان ملت، با هنرهای اجداد خود آشنا خواهند شد و آن‌ها را پشتمانی یادگیری‌های بعدی خود قرار خواهند داد.

یادگیری‌های بعدی خود قرار خواهند داد. استاد محمد حسین عتیقی، پس از عمری خدمت به هنرهای ایرانی، در ۱۶ شهریور ۱۳۷۲ دعوت حق را لبیک گفت و به دیار باقی شتافت؛ اما خدمات گرانبه‌ای او از چشم مسئولان بیدار مخفی نماند. معرفی ایشان در کتاب‌های درسی کشور و همچنین انتخاب خانواده‌ی عتیقی به عنوان خادمان هنرهای قرآنی و اهدای لوح ریاست جمهوری اسلامی به خاندان عتیقی، در حقیقت، بزرگداشت اهتمام هنری ۶۰۰ ساله‌ی این خاندان است که این جانب و دیگر فرزندان وی را در انتخاب راه، مطمئن‌تر و پابرجاتر می‌کند. با سیاستگرایی از همه‌ی عزیزان، این مقاله را با چند فراز از وصیتنامه‌ی آن مرحوم به فرزندان خویش به پایان می‌برم:

● همیشه در مقابل آثار هنری و

کتاب‌های دست‌ساز ایرانیان،

زانوانم لرزیده‌اند...

● من همیشه نگران آثاری هستم

که دیگر هرگز آن‌ها را نخواهم

دید...

● در زندگی، دو راه بیش‌تر وجود

ندارد، یا عاشقی هنر کنید، یا

کاسبی هنر؛ راه سومی وجود

ندارد.

و عتیقی‌ها ۶۰۰ سال است که عشق به هنر را

نسل‌اندرا نسل حفظ کرده‌اند...

مرمتی دنیا، مکتبی ویژه را رایج کرد که در مجامع هنری و موزه‌های جهانی از اعتباری ویژه برخوردار است. استاد مهدی عتیقی درباره پدرمی گوید:

«از جمله خاطرات بسیار مهمی که از ایشان دارم و در شکل‌گیری ساختار هنری خانواده ما بسیار اثرگذار بوده، آشنا کردن فرزندان با آثار هنری استادانی همچون یاقوت مستعصمی، عبدالله صیرفی، احمد سهروردی، ملاعلایک تبریزی، میرزااحمد نیریزی، محمد ابراهیم قمی، میرعمادالحسنی، سلطانعلی مشهدی... و زیارت آثار کمال‌الدین بهزاد، رضا عباسی و همه‌ی استادان مطرح در تاریخ هنر ایران است. ایشان به ما اجازه می‌داد همه‌ی آن آثار را از نزدیک مشاهده و حتی لمس کنیم و می‌گفت: «شما باید آن‌ها را ببینید و ویژگی‌های هر کدام را احساس کنید.» این مسئله در امر آموزش این حقیر و برادران عزیزم، هادی و احمد عتیقی، کاملاً رعایت شد. پس از ما هم در مورد برادر کوچک‌ترمان، محمد نصیر عتیقی مورد نظر بود. همه‌ی ما بارها با هیجان، آثار این بزرگواران را زیارت کرده‌ایم و چه بسیار نکته‌ها که در هر بار دیدن آثار، به ما منتقل شده است.»

مرحوم استاد، وقتی نخستین نمونه‌ی کتاب‌های هنر دوره‌ی راهنمایی را دیدند، گفتند: «آقایان راه درستی را برای آموزش و انتقال موارث هنری آغاز کرده‌اند. ان شاء الله همه‌ی فرزندان ملت، با هنرهای اجدادی خود آشنا خواهند شد. و آن‌ها را پشتمانی